

کاربرگ کتاب «پرواز کن! پرواز»

کلاس چهارم

نام و نام خانوادگی: ----- کلاس: -----

۱. باتوجه به متن داستان، کدام جمله درست و کدام جمله غلط است؟

- برّه کوچولو گمشده بود، چون طوفان وحشتناک شب گذشته به قدری شدید بود که درب کلبه را از جا کنده بود و برّه کوچولو هم پا به فرار گذاشته بود.



- مرد کشاورز بچه عقابی را دید که به نظر می‌رسید تازه سر از تخم در آورده است. بچه عقاب به زحمت نفس می‌کشید. او را در جای امنی در لابه‌لای صخره‌ها گذاشت. چون ممکن بود پدر و مادرش دنبال او بگردند.

- پرنده نگاهی به اطراف انداخت و چشمش به جوجه‌ها که دانه برمی‌چیدند، افتاد. به سرعت به طرف زمین برگشت و دوباره میان جوجه‌ها رفت.

- مرد کشاورز با اشتیاق زیاد از کنار بچه‌ها که خوابیده بودند، گذشت و به آشپزخانه رفت تا پرنده که در خواب خوش و عمیقی بود، با خود به کوهستان ببرد.

۲. به کمک کلمات داده شده، متن داستان را کامل کنید.

سلطان / نیزارها / کاه / شکاف / پرسه زد

- مرد کشاورز با دقت دور و بر را نگاه کرد. کف رودخانه، میان ----- و پشت تخته‌سنگ‌ها را گشت؛ ولی هیچ نشانی از برّه کوچولو نبود.

- مرد کشاورز میان درختان جنگل ----- به تپه‌ها رسید و اطراف تپه‌ها را هم گشت؛ ولی هیچ نشانی از برّه کوچولو نبود.

- مرد کشاورز همچنان که از کوه بالا می‌رفت به ----- رسید که آب از میان آن جاری شد.

- مرد کشاورز به بچه‌ها گفت: عقاب ----- پرندگان است ولی ما می‌خواهیم او را مثل یک جوجه تربیت کنیم.

- دوست مرد کشاورز از نردبان بالا رفت. بام کلبه که با ----- و برگ پوشیده شده بود، خیلی لیز بود.



۳. معنی عبارت‌های زیر را بنویسید.



رودخانه می‌گرید و جلو می‌رفت:

به زحمت نفس می‌کشید:

مرد کشاورز دو دل بود:

نگاهی به اطراف انداخت:

۴. دوست مرد کشاورز به پرنده می‌گوید: "به خورشید نگاه کن، وقتی طلوع کرد، با او طلوع کن. تو مال آسمان هستی نه

زمین."

منظور از عبارت «با خورشید طلوع کن» چیست؟

(۱) شاد و سرحال باش

(۲) سحرخیز باش

(۳) پرواز کن

(۴) نورانی و درخشان باش



۵. دوست کشاورز یک فرصت دیگر برای کمک به عقاب خواست. این آزمایش چه تفاوتی با دو مورد اول داشت؟



۶. بچه عقاب چه توانایی داشت که آن را فراموش کرده بود؟